



Computational Social Science
مرکز علوم اجتماعی محاسباتی

گزارش سیاستی مبتنی بر داده

بازنمایی قدرت‌گیری مجدد طالبان در افغانستان
از نگاه کاربران افغانستانی و ایرانی در فضای مجازی

علیرضا حدادی

دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
متخصص علوم اجتماعی محاسباتی



فهرست

۳

مقدمه

۵

برداشت مردم افغانستان از طالبان و افغانستان

۱۰

روند تولید محتوا در تابستان ۱۴۰۰

۱۱

بازتاب قدرت‌گیری طالبان در توئیتر در قیاس دیگر رویدادهای مهم تابستان ۱۴۰۰

۱۷

محتوای تولید شده در مورد سقوط دولت افغانستان از سوی کاربران افغان

۲۰

محتوای تولید شده در مورد سقوط دولت افغانستان از سوی کاربران ایرانی

۲۲

محتوای تولید شده پس از استقرار امارت اسلامی توسط کاربران افغان

۲۵

محتوای تولید شده پس از استقرار طالبان توسط کاربران ایرانی

۲۷

جمع‌بندی

۲۸

راهکارهای سیاستی



مرکز علوم اجتماعی محاسباتی

CSSCENTER.IR

به نام خدا

مقدمه

پس از حدود ۲۰ سال نبرد، سرانجام طالبان در ۲۴ مردادماه ۱۴۰۰ قدرت را در افغانستان در اختیار گرفت و اشرف غنی به همراه بخش زیادی از سران دولت، به سرعت کشور را ترک نمود. سرعت بسیار بالای سقوط شهرها و ولسوالی‌ها و عدم مقابله جدی ارتش به رغم تجهیزات کافی و نیروی انسانی مناسب، موجب شگفتی و حیرت جهانیان گشت. پرسش‌هایی از قبیل نسبت و همکاری احتمالی اشرف غنی و کرزی با طالبان، علل عدم مقاومت جدی ارتش در برابر طالبان، نگرش مردم افغانستان به طالبان و دولت سابق افغانستان و مهم‌تر از همه سرنوشت افغانستان به سؤالاتی جدی تبدیل شده‌اند. در هر صورت، افغانستان امروز در اختیار امارت اسلامی است و اکنون باید به مثابه یک واقعیت سیاسی بدان نگریست. اهمیت آینده سیاسی اجتماعی افغانستان برای ایران به جهاتی بیش از هر کشور دیگری است. افغانستان پس از ایران بزرگ‌ترین کشور فارسی‌زبان جهان است و ۲۰ تا ۳۰ درصد از مردم این کشور شیعه هستند. علاوه بر این در حال حاضر ایران و افغانستان ۸۱۵ کیلومتر مرز مشترک دارند و با استناد به داده‌های مرکز آمار (سرشماری ۱۳۹۵) حداقل ۱/۶ میلیون افغان در ایران زندگی می‌کنند و افغان‌ها بزرگ‌ترین جمعیت مهاجر حاضر در ایران هستند و بر اساس گزارش‌های موجود جمعیت شایان‌ذکری از افغان‌ها پس از سقوط دولت این کشور راهی مرزهای ایران شده‌اند. پیامدهای قدرت‌گیری طالبان از چند جهت می‌تواند عامل بروز مشکل برای ایران باشد.

- در درجه نخست، عقبه اشرف‌غنی عقیدتی طالبان به مدرسه دیوبندی، شبکه حقانی و دیگر گروه‌های تندروی اهل سنت برمی‌گردد که در بهترین حالت رویکرد کلی آنها نسبت به شیعیان، مساعد تلقی نمی‌گردد.
- راهبرد جدید ایالات متحده در خروج از منطقه، سبب افزایش تنش میان کشورهای منطقه شده و از مدت‌ها پیش کشورهای منطقه در پی یارگیری، تجهیز و افزایش نفوذ منطقه‌ای در خلاء خروج آمریکا هستند. خروج آمریکا از افغانستان منجر به افزایش نفوذ پاکستان در این کشور شده است، همسایه اتمی ایران که اخیراً و درست پس از قدرت‌گیری طالبان در اقدامی تحریک‌آمیز با جمهوری آذربایجان و ترکیه در مرزهای شمالی ایران اقدام به برگزاری مانور نظامی نمود و به نحوی همسو با آذربایجان و ترکیه برای ایران، پیام سیاسی و نظامی ارسال نمود. از این جهت، قدرت‌گیری طالبان می‌تواند به افزایش توازن قوا به نفع پاکستان و محور اخوانی منطقه منجر گردد.
- در درجه سوم، حتی به فرض عدم همکاری طالبان با گروه‌های تروریستی، خلأ امنیتی و حکومتی حاکم بر افغانستان این کشور را می‌تواند به مأمّن گروه‌های تروریستی نظیر القاعده، داعش و حرکت اسلامی ازبکستان تبدیل شود.
- در نهایت، با توجه به جمعیت ۴۰ میلیونی افغان و رشد ۴/۶ درصدی جمعیت این کشور، ناتوانی طالبان در اداره کشور و فشار نیروهای طالبان به اقلیت‌های غیر پشتون و شیعه می‌تواند کشور را با موج گسترده‌ای از مهاجران مواجه سازد، مهاجرانی که از لحاظ سطح سرمایه اجتماعی و اقتصادی در حداقل ممکن هستند و از هر جهت (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی، بهداشتی و فرهنگی) چالشی جدید برای ایران در شرایط اقتصادی کنونی هستند.

برداشت مردم افغانستان از طالبان و افغانستان

پیش از پرداختن به بازنمایی رسانه‌ای سقوط دولت افغانستان، اشاره به برخی واقعیت‌های میدانی افغانستان ضروری است، چرا که سقوط غیرمنتظره و بدون مقاومت ولسوالی‌ها و شهرهای افغانستان خصوصاً پایتخت این کشور فضای رسانه‌ای را (در واکنش به روی کار آمدن طالبان)، به شدت هیجانی و قطبی نمود. این البته محدود به ایران یا افغانستان نیست و رسانه‌ها و کاربران جهان، به صورتی غیرقابل‌باور به رویدادهای افغانستان پرداخته و فرضیات این‌چنینی را در مورد سقوط دولت افغانستان مطرح نمودند:

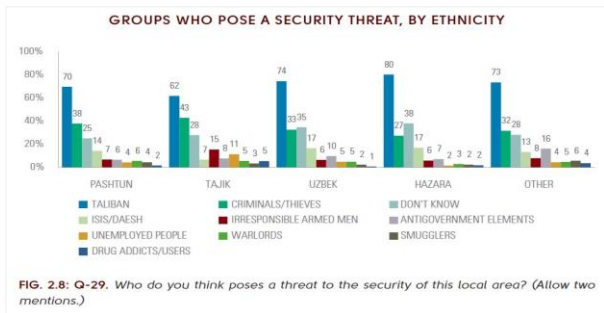
- اعتماد مردم افغانستان به طالبان؛
- همکاری مردم روستایی و عشایر افغانستان به خصوص پشتون‌ها با طالبان؛
- عدم اعتماد مردم به ارتش

مؤسسه بنیاد آسیا^۱ از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۹ به شکل نظام‌مند از ۱۲۹۸۰۰ شهروند افغانستان با در نظر گرفتن متغیرهای محل سکونت (شهر، روستا، استان) جنسیت، مذهب و... نگرش‌سنجی استاندارد و معتبری را در یک بازه ۱۵ ساله انجام داده که به برخی از ابهامات در این مورد پاسخ می‌دهد. بر مبنای داده‌های آخرین گزارش (۲۰۱۹) برای جمع‌آوری داده، ۱۷۸۱۲ نفر (بالای ۱۸ سال) به شکل حضوری مشارکت نموده‌اند و در

¹ The Asia Foundation

بازهای یک ماهه، ۱۲۷۹ پرسشگر شامل ۶۰۴ زن و ۶۷۵ مرد با حضور در تمامی ۳۴ استان افغانستان، اقدام به جمع‌آوری داده نموده‌اند.

۱. بررسی اعتماد مردم افغانستان به طالبان:



شکل ۱. نگاه قومیت‌های افغان به تهدیدهای امنیتی^۲

بر اساس نتایج این پیمایش، در بین کلیه گروه‌های افغان طالبان به عنوان تهدید امنیتی قلمداد شده و حتی ۷۰ درصد از پشتون‌ها از جهت امنیتی نگرش مثبتی به طالبان ندارند و طالبان را جدی‌ترین تهدید برای امنیت مناطق تهدید می‌کنند. کمترین حساسیت نسبت به طالبان مربوط به تاجیک‌ها با ۶۲ درصد است. تاجیک‌ها به سبب حضور داعش در استان‌های تاجیک‌نشین مانند جوزجان و سرپل نسبت به دیگر قومیت‌ها حساسیت بیشتری به داعش نشان داده‌اند. با این همه، در بین کلیه قومیت‌های افغان با میانگین ۶۹ درصد، طالبان به عنوان یک تهدید امنیتی قلمداد شده است. بنابراین مردم افغان و قوم پشتون همسو و

2 The Asia Foundation, 2019, A Survey of the Afghan People: p.69.
(https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/2019_Afghan_Survey_Full-Report.pdf)

هم‌صدا با طالبان نبوده بلکه اکثریت مردم افغانستان طالبان را به عنوان یک تهدید تلقی نموده‌اند.

۲. همدلی مناطق روستایی با طالبان:

بر مبنای این فرضیه، طالبان یک نیروی روستایی عشایری وابسته به طوایف پشتون و دیگر گروه‌های اهل سنت (تاجیک، ازبک) است که تا پیش از سرنگونی حکومت سابق افغانستان در مناطق روستایی و عشایری و تحت حمایت مالی، انسانی و نظامی روستاییان و عشایر به فعالیت خود ادامه می‌داده است. اما بر اساس پیمایش ملی فوق ۷۵/۸ درصد از روستانشینان افغان طالبان را به‌مثابه یک خطر بالقوه قلمداد نموده‌اند. همچنین اختلاف معناداری میان مناطق روستایی و شهری در همدلی و علاقه به طالبان وجود ندارد. بر اساس پیمایش سال ۲۰۱۹، ۸۸/۶ درصد از مناطق شهری و ۸۳/۹ درصد از مردم مناطق روستایی، علاقه و همدلی با طالبان نداشته‌اند.

۳. مردم افغانستان به نیروهای امنیتی و ارتش کشور خود بی‌اعتماد بوده‌اند:

نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که اعتماد مردم افغانستان به پلیس ملی افغانستان^۳ و ارتش ملی کشور به عنوان نهادهایی که به بهبود امنیت کمک می‌کنند همچنان بالاست. ۵۹/۷ درصد از مردم افغانستان در سال ۲۰۱۹ ارتش ملی این کشور را صادق و منصف توصیف کرده بودند.

³ Afghan national police

بنابراین مردم افغانستان به طور کلی نگاه خوشایندی به طالبان نداشته و از ارتش و نیروهای امنیتی حمایت نموده‌اند به نظر آنچه در واقعیت رخ داده است، نه توطئه و حمایت از یک قومیت خاص بر ضد دیگر قومیت‌ها، نه بی‌اعتمادی مردم به پلیس و نه نظر مساعد مردم به سوی طالبان بوده است. به نظر می‌رسد که ۲ عامل چند وجهی در سقوط افغانستان و عدم مقاومت مردم دخیل بوده‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.

۱. فساد گسترده و عدم بهبود وضعیت اقتصادی مردم:

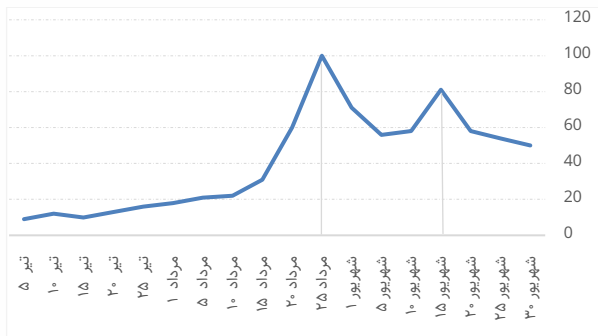
بر اساس پیمایش مؤسسه بنیاد آسیا در سال ۲۰۱۹، ۸۱/۵ درصد از مردم افغانستان فساد را عمده‌ترین مشکل کشور قلمداد کرده‌اند. فساد در افغانستان علنی و عینی بوده و دریافت رشوه، بدون وا همه از نهادهای فرادستی صورت می‌گرفته است. سِمت‌ها، وزارت‌خانه‌ها و حتی درجات بالای ارتش بر اساس روابط قبیله‌ای و دریافت رشوه واگذار می‌گردیده و همین امر سبب بی‌تفاوتی مردم و نیروهای ارتش در بلندمدت شده است. گزارش‌های متعددی در مورد فروش سلاح و آذوقه نیروهای ارتش به نیروهای طالبان مستمع گردیده و همین فساد شدیداً سیستماتیک سبب بروز بی‌تفاوتی از جنس غیرخودی بودن دولت گردیده است. بر اساس نتایج در سال ۲۰۱۹ این پیمایش تنها ۳۶/۲ درصد مردم افغان بر این باورند که کشور در مسیر درست گام برمی‌دارد که نسبت به سال ۲۰۱۳، ۲۲ درصد کاهش یافته است و ۶۳/۶ درصد از ساکنین مناطق شهری افغانستان معتقدند که فرصت‌های شغلی نسبت به گذشته رو به کاهش است. بنا بر داده‌های فوق گرچه مردم افغانستان، تمایلی به همکاری با طالبان نداشته‌اند، اما این به معنای اعتماد آنها به دولت فعلی نیز نبوده است.

۲. احساس خطر و ترس در مورد امنیت و نیاز به حمایت نیروهای

خارجی:

۸۸/۷ درصد از مردم افغان از مذاکرات صلح حمایت می‌کنند و در عین حال ۶۳ درصد از آنها ترس از شرکت در انتخابات داشته‌اند (با توجه به تهدیدات طالبان مبنی بر قتل رأی‌دهندگان) که این احساس واهمه نسبت به سال ۲۰۱۴، ۱۶ درصد افزایش یافته است. همچنین، ترس افراد در مورد امنیت شخصی آنها از ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۶ به ۷۵ درصد در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. به علاوه، با این وجود که نیروهای نظامی و پلیس افغانستان از حمایت نسبی مردم برخوردار بوده‌اند، در سال ۲۰۱۹، ۸۳ درصد مردم این کشور بر این باور بوده‌اند که نیروهای نظامی این کشور به حمایت نیروهای خارجی نیاز دارند رقمی که نسبت به سال ۲۰۱۳، ۶ درصد افزایش یافته است. افزایش احساس خطر مجازات توسط طالبان، افزایش احساس خطر در مورد امنیت شخصی (۷۵ درصد) را می‌توان، با افزایش احساس نیاز به حمایت نیروهای خارجی و حمایت ۹۰ درصدی از صلح درک کرد. حمایت مردم افغانستان و بسیاری از بزرگان قبایل از صلح، مسبب عدم بروز مقاومت جدی در برابر طالبان گردید. به نظر می‌رسد که مردم اهم از توده و پرسنل اداری و نظامی افغان در درجه نخست، حامی طالبان نبوده و نیستند، اما به سبب بی‌کفایتی، تبعیض، قوم‌گرایی و فساد دولت سابق، ضرورتی برای دفاع از دولت نمی‌دیدند. این نسبت، همراه با توافق امریکا و طالبان، خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و بیم از دست رفتن آمد و پشتیبانی ارتش آمریکا و مهم‌تر از همه ترس از جنگ و حمایت از صلح (ولو به غلط) به فروپاشی کشور منجر گردید.

روند تولید محتوا در تابستان ۱۴۰۰



شکل ۲. روند انتشار محتوی: قدرت گرفتن طالبان در افغانستان از ابتدای تابستان ۱۴۰۰

تیر ماه امسال و پس از کاهش تدریج تب انتخابات ریاست جمهوری ایران، فضای مجازی (فارسی‌زبان) تدریجاً متوجه سقوط ولسوالی‌ها و شهرهای افغانستان گشت و هر روز اخباری ناامیدکننده مبنی بر تسلیم یا فرار شمار بسیار بالایی از سربازان افغان در جای‌جای کشور به گوش می‌رسید. نیمه مرداد ۱۴۰۰ که شاهد اوج‌گیری مجدد توجه کاربران مجازی به افغانستان هستیم، مصادف با کنترل نخستین مرکز ولایت یعنی شهر زرنج نیمروز توسط طالبان هستیم و دقیقاً ۹ روز بعد و در نقطه اوج توجه به افغانستان، طالبان موفق به کنترل کابل پایتخت افغانستان و در واقع کل کشور افغانستان گردید. پیداست که پس از سقوط دولت افغانستان به شکلی بسیار تدریجی، از تولید محتوا در مورد افغانستان کاسته شده اما همچنان توجه مجازی به افغانستان بسیار بالا تلقی می‌گردد. اوج‌گیری مجدد تولید محتوای مجازی درباره افغانستان در نیمه شهریور و حدود ۲۰ روز پس از سقوط طالبان نیز عمدتاً به اخبار مرتبط با احمد مسعود و شکل‌گیری هسته‌های اولیه مقاومت افغانستان مربوط است.

بازتاب قدرت‌گیری طالبان در توئیتر در قیاس دیگر رویدادهای مهم تابستان ۱۴۰۰

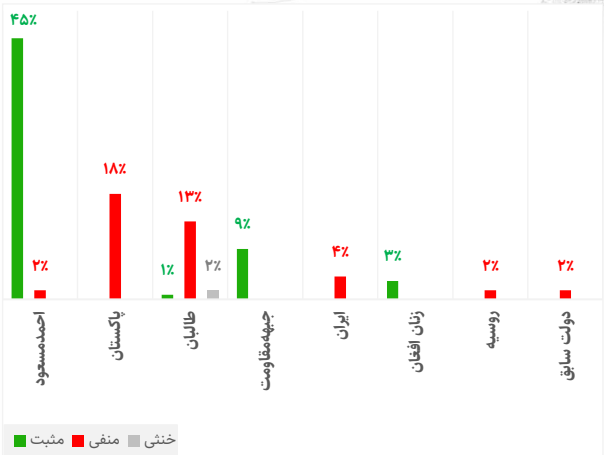
در طول سه ماه تابستان چهار رویداد بسیار مهم بیشترین حجم توجه کاربران و رسانه‌های فارسی زبان را به خود جلب نموده است. «قطعی برق گسترده در کشور»، «اعتراض‌های حول کمبود آب در استان خوزستان» و «طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» در کنار سقوط دولت افغانستان بیشترین واکنش‌های مجازی را به همراه داشته است. برای نمونه در طول بازه سه‌ماهه مختوم به ۱ مهر، تنها در بستر تلگرام بیش از ۱/۳ میلیون و در بستر توئیتر حدود ۱/۹ میلیون مطلب در مورد افغانستان تولید یا بازتولید شده است. محتوای تولید شده در بستر درمورد سقوط افغانستان در تلگرام ۱۰ برابر بیشتر از محتوای تولید شده درمورد طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی است. در بستر خبر نیز بیش از ۱۱۳ هزار مطلب در این رابطه منتشر شده است که رقمی بسیار بالا تلقی می‌گردد.

نوع بستر	نوع آمار	قدرت‌گیری طالبان	طرح صیانت فضای مجازی	بحران آب خوزستان	بحران قطعی برق
توئیتر	تعداد توییت و ریتوییت	۱/۸۸۷ هزار	۳۳۷ هزار	۴۹۴ هزار	۱۹۳ هزار
اینستاگرام	تعداد پست اینستاگرام	۲۷۲ هزار	۲۵ هزار	۹۱ هزار	۴۵ هزار
تلگرام	تعداد پست‌ها	۱/۳۴ هزار	۱۳۶ هزار	۱۶۶ هزار	۱۱۲ هزار
خبر	تعداد پست‌ها	۱۱۳ هزار	۳۷ هزار	۳۹ هزار	۲۹ هزار

جدول ۱. مقایسه چهار خبر نسبتاً مهم در بسترهای خبری در طول یک ماه

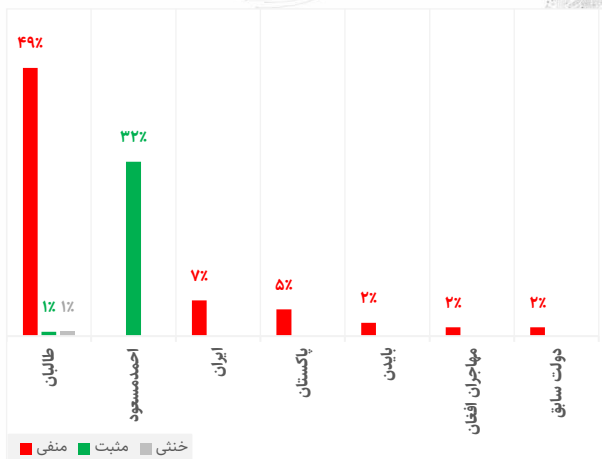


تعداد تکرار	هشتگ ترند
۱۳۸ هزار	#پنجشیر
۱۳۸ هزار	#طالبان
۹۶ هزار	#افغانستان
۳۱ هزار	#احمدمسعود
۸ هزار	#تیپ_اصلاحیون



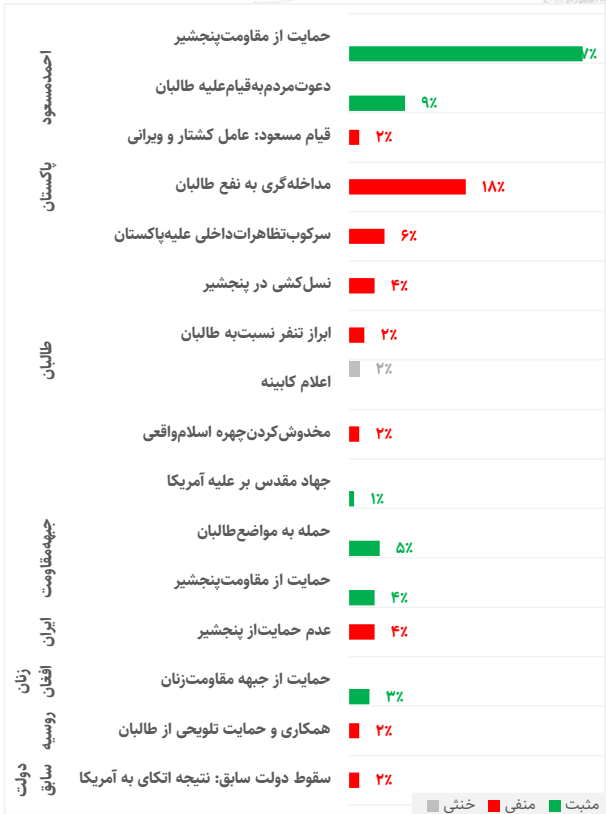
شکل ۴. رویکردهای احساسی گروه‌های مرجع توئیتری (۱ مرداد تا ۱ مهر)

در بازه مرداد و شهریور ۱۴۰۰، بیشترین محتوای مثبت تولیدشده در بستر توئیتر مربوط به احمد مسعود و بیشترین محتوای منفی مربوط به پاکستان با ۱۸ درصد است. در این بستر تنها ۴ درصد محتوای منفی درباره ایران تولید شده است که نشان از فقدان عاملیت ایران (از نظر کاربران) در روی کار آمدن طالبان دارد. در مجموع در این بستر ۵۷ درصد از محتواهای مثبت تولید شده است که مجموعاً به مقاومت افغانستان (احمد مسعود، جبهه مقاومت ملی و زنان افغان) اختصاص دارد و در مورد طالبان تنها ۱ درصد محتوای مثبت تولید شده است.



شکل ۵. رویکردهای احساسی کاربران در اینستاگرام (کامنت‌ها) (۱ مرداد تا ۱ مهر)

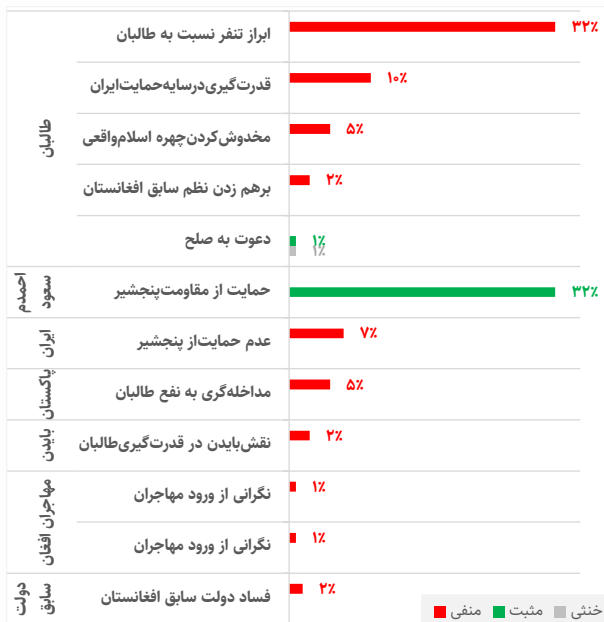
با توجه به هیجانی‌تر بودن نظرات کاربران در این بستر نسبت به توئیتر در بازه دوماهه منتهی به پاییز ۱۴۰۰، مخاطبان در بستر اینستاگرام حدود ۵۰ درصد محتوای منفی در مورد طالبان تولید نموده و تنها ۱ درصد محتوای مثبت به شکل کامنت (به زبان فارسی) در مورد طالبان تولید شده است. ۲ درصد از کاربران همچنین به جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا به سبب اهمال‌کاری در خروج نیروهای آمریکایی انتقاد کرده و برخی از کاربران نیز نسبت به روانه شدن سیل مهاجران افغان به سوی ایران ابراز نگرانی کرده‌اند. از حیث نگرشی (شباهت‌های فراوانی) میان دو بستر وجود دارد و کاربران نسبت به طالبان، پاکستان، ایران و دولت اشرف‌غنی محتوای منفی تولید کرده و در مورد احمد مسعود و مقاومت افغانستان محتوای مثبت تولید نموده‌اند.



شکل ۶. رویکرد محتوایی گروه‌های مرجع نسبت به اشخاص در توئیتر (۱ مرداد تا ۱ مهر)

جدول بالا فهرست محورهای محتوایی شکل گرفته در بستر توئیتر را نشان می‌دهد. از محورهای جالب شکل گرفته در بستر توئیتر می‌توان به «قیام مسعود: عامل کشتار و ویرانی» اشاره کرد. به نظر محدودی از کاربران افغان، با توجه به تسلط طالبان بر کل کشور، مقاومت مسعود نتیجه‌ای

جز ویرانی نخواهد داشت. این کاربران ضرورتاً منتقد مسعود نیستند ولی مقاومت او را با توجه به فقدان حمایت خارجی، تجهیزات ناکافی و محدود جغرافیای محصور، بی‌فایده و مضر تلقی می‌کنند. برخی از کاربران نیز با توجه به اظهارات دیمیتری ژیرنوف، سفیر روسیه در کابل در ۲۶ مرداد مبنی بر دشمن تلقی نکردن طالبان، به تولید محتوای منفی درباره روسیه پرداخته‌اند. در مورد ایران به طور خاص، انتظار کاربران برای حمایت از جریان مقاومت ملی، به شکل محدود سبب تولید محتوای منفی خصوصاً از سوی کاربران ایرانی (عمدتاً منتقد داخلی و معاند) گردید که مشابه این نوع نگاه را در بستر اینستاگرام نیز می‌توانیم مشاهده نماییم.



شکل ۷. رویکردهای محتوایی گروه‌های مرجع نسبت به اشخاص در اینستاگرام (۱ مرداد تا ۱ مهر)

در بستر اینستاگرام که وجهی غیرمستند و هیجانی تر دارد، ۱۰ درصد از کاربران در «محور قدرت گیری طالبان در سایه حمایت ایران» اقدام به تولید محتوا نموده اند. به نظر بخش عمده ای از این کاربران، سکوت ایران و مواضع برخی از مسئولان و نمایندگان در حمایت از خروج آمریکا اصلی ترین گواه حمایت ایران از طالبان بوده است. در ادامه به محتوای تولیدشده به شکلی انتزاعی و طیف بندی تر پرداخته می شود.

محتوای تولید شده در مورد سقوط دولت افغانستان از سوی کاربران افغان

در بحث بازنمایی، پیش از هر چیز باید کاربران افغان را از حیث زبان تولید محتوا به سه گروه تقسیم کرد. کاربران فارسی زبان که تقریباً همگی مخالف طالبان هستند. کاربران اردو زبان که اغلب حامی طالبان و پاکستان اند و کاربران انگلیسی نیز شامل هر دو طیف می باشند. در ادامه با تمرکز به هر سه طیف زبانی، محتوای تولید شده توسط کاربران افغان در مورد سقوط دولت تشریح خواهد شد.

۱. سقوط دولت نتیجه همدستی دولت با طالبان:

اغلب کاربران افغان بر این باورند که دولت افغانستان در یک پروژه از پیش هماهنگ شده دولت را به طالبان واگذار کرده است. این طیف از کاربران با استناد به شمار و سطح تجهیزات نیروهای افغان، تسلیم نیروهای افغان و به خصوص نیروهای اطراف کابل، سقوط دولت افغانستان را نوع واگذاری سیاسی قدرت میان طوایف و اقوام پشتون قلمداد نموده اند. این طیف از کاربران برای این مدعا، استدلالات و مستندات فراوانی دارند، با

این همه اشرف غنی و برخی از حامیان او، معتقدند که عدم مقاومت آنها برای جلوگیری از خونریزی و ویرانی کشور بوده است.



شکل ۸. نمونه توئیت

۲. نتیجه دخالت نیروهای خارجی:

در این مورد، از نظر کاربران افغان آمریکا (اهمال کاری) و پاکستان (دخالت) دو متهم اصلی سقوط دولت افغانستان قلمداد می شوند. پافشاری نیروهای آمریکایی برای خروج از افغانستان در حالی صورت گرفت که در درجه نخست کلیه کارشناسان نظامی و راهبردی بر این باور بودند که بدون حمایت لجستیک آمریکا نیروهای افغان در «بلندمدت» شانس چندانی در برابر طالبان نخواهند داشت. از سوی دیگر بسیاری از کاربران افغان، حضور پُررنگ طالب‌های پاکستانی و حمایت همه‌جانبه (اطلاعاتی، سیاسی و نظامی) سازمان اطلاعات پاکستان (آی.اس.آی) از طالبان را عامل اصلی سقوط دولت عنوان نموده‌اند. این کاربران با هشتگ *#sanction_pakistan* نسبت به اقدامات و مداخلات پاکستان تحت عنوان حمله نیروها و مزدوران پاکستانی انتقاد کردند. برخی از کاربران نیز

عناصر طالبان را مزدوران قطر، عربستان، ترکیه و ایران عنوان نموده‌اند، اما در مجموع نوک پیکان حملات کاربران به سوی پاکستان است.



شکل ۹. نمونه توثیت

۳. حمایت از طالبان در برابر دولت کفر:

از نظر برخی از کاربران که عموماً به زبان‌های اردو و انگلیسی به تولید محتوا می‌پردازند، پیش از حمله آمریکا به افغانستان دولت طالبان به شکل غیرقانونی به این کشور حمله کرده و حضور نیروهای آمریکایی و ناتو مصداق عینی اشغال‌گری بوده است. از نظر این کاربران طبعاً دولت اشرف‌غنی گماشته دول غربی است. حامیان این دیدگاه، با استفاده از ادبیات اسلامی و مفاهیمی مانند جهاد بر علیه کفار، یا خروج کفار از سرزمین اسلامی خواهان حکمرانی مسلمانان بدون وابستگی به دول غربی (کفار) هستند و از این جهت، به حمایت از طالبان می‌پردازند. اغلب حامیان این گفتمان، کاربران پشتون افغان و پاکستانی هستند.

محتوای تولید شده در مورد سقوط دولت افغانستان از سوی کاربران ایرانی

۱. ابراز انزجار و تنفر نسبت به طالبان:

بیش از نیمی از محتوای تولید شده توسط کاربران ایرانی، ابراز انزجار و تنفر نسبت به طالبان و برخی مراجع مرتبط مانند پاکستان و اسلام بوده است. محتوای تولید شده توسط این کاربران هیجانی و احساسی است و کاربران این طیف با تولید پیام‌های همدردی، تنفر یا انزجار سعی در تخلیه بار روانی منفی ایجاد شده داشته‌اند. حجم بسیار بالای محتوای منفی تولید شده در مورد طالبان عموماً از سوی کاربران ایرانی به این طیف تعلق دارد. کاربران معارض و غیرسیاسی و حتی برخی از منتقدان داخلی به این طیف تعلق دارند. بسیاری از این کاربران، هیچ تجربه و شناختی از طالبان ندارند، اما نگرش کاملاً منفی عموم کاربران به طالبان می‌تواند کاملاً جالب توجه باشد.

۲. انتقاد از عملکرد آمریکا و ابراز خرسندی از خروج ایالات متحده از افغانستان:

مطابق با استدلال این طیف از کاربران ایرانی سقوط دولت غنی نتیجه اعتماد و اتکا به آمریکاست. این محتوا عمدتاً توسط کاربران حامی نظام و اصولگرا منتشر شده است. بر این اساس، اگر دولت افغانستان استقلال خود را در برابر آمریکا و ناتو حفظ می‌کرد به سرنوشت تلخ سقوط دچار نمی‌شد. در برابر این موضع برخی از کاربران بر این باورند که حجم تجهیز و ۲۰ سال آموزش، آماد و پشتیبانی ارتش آمریکا بسیار بالا بوده است و عدم درک و پذیرش نیروی نظامی و دولتی افغانستان مسبب سقوط دولت بوده است. لازم به ذکر است که انتقاد این کاربران از آمریکا، ضرورتاً

به معنای دفاع آنان از طالبان نیست و این طیف از کاربران همچنان موضع محافظه کارانه‌ای در برابر طالبان دارند.



شکل ۱۰. نمونه توئیت

۳. رویکرد واقع گرایانه در برابر حوادث افغانستان:

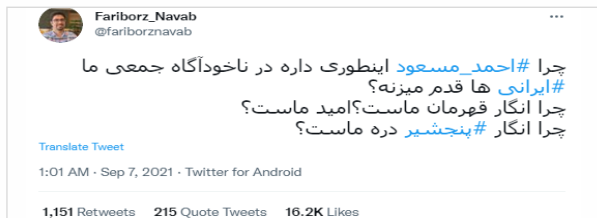
با وجود آنی بودن سقوط کابل، سقوط افغانستان را نمی‌توان غیرمنتظره قلمداد کرد. سقوط کابل به نظر کارشناسان امری محتوم بود، اما نه به سرعت آنچه که در واقعیت رخ داد. به همین سبب بسیاری از کاربران بر این باورند که باید به طالبان به مثابه یک واقعیت سیاسی برخورد کرد. به نظر این طیف از کاربران، با توجه به مرزهای وسیع ایران و افغانستان، جمعیت شیعه قابل توجه افغانستان و اشتراکات گسترده سیاسی/اجتماعی، باید رویکردی غیرهیجانی و غیرفرقه‌ای با واقعیت حاکم بر افغانستان داشت. بسیاری از کاربران حامی نظام، با چنین نگرشی به افغانستان می‌نگرند و توئیت کماکان جنجالی احمد نادر، نماینده

مجلس درمورد اصریل بودن طالبان، آغازگر این جریان محتوایی قلمداد می‌گردد.

محتوای تولیدشده پس از استقرار امارت اسلامی توسط کاربران افغان^۴

۱. حمایت از مقاومت ملی افغانستان:

یک هفته پس از سقوط دولت افغانستان، در ولسوالی پنجشیر احمد مسعود فرزند احمدشاه مسعود، در برابر طالبان قد علم کرده و جنبش مقاومت ملی افغانستان را بنیان نهاد. در شهریورماه ۱۴۰۰، حدود ۱۲۵ هزار توئیت و ریتوئیت در مورد مسعود و جریان مقاومت ملی افغانستان منتشر گردید و بسیاری از کاربران ایرانی و افغان، از تبلور امید با آغاز مبارزات مسعود نوشته‌اند. ولایت پنجشیر البته خیلی زود و بدون بروز مقاومتی خاص سقوط کرد. ولی جریان تولید محتوا در مورد مسعود در فضای مجازی همچنان ادامه دارد.



شکل ۱۱. نمونه توئیت

^۴ (۱۴۰۰/۷/۱۰ الی ۱۴۰۰/۶/۱)

۲. جریان انتقادی ناظر بر دولت امارت اسلامی:

بخش عمده‌ای از جامعه مدنی افغانستان پس از سقوط دولت این کشور از افغانستان خارج گردید. این طیف از کاربران به همراه اندک طیف‌های مدنی باقی‌مانده در افغانستان اکنون در حال مقاومت و پافشاری بر مطالبات خود در برابر دولت امارت اسلامی است. انعکاس اخبار عملکردهای طالبان خصوصاً در حوزه‌های حقوق بشری و اجتماعی عموماً توسط این طیف از کاربران پی گرفته می‌شود. بازنمایی سرکوب تظاهرات و اعتراض‌های مدنی، بستن مدارس دخترانه و اخراج کارمندان زن، پخش تصاویر اعدام‌های خیابانی، ادعای نسل‌کشی در پنجشیر، تصاحب اراضی شیعیان و بازنمایی نوع انتخاب اعضای دولت و حتی اظهارات وزرا و دولتمردان طالبان برخی از ابعاد عملکردی این طیف از کاربران بوده است.



يعقوب یسنا Yaqub Yasna
 @yaqubyasna

...

من عرض کرده بودم طالبان در پی پشتون‌سازی و حذف زبان و فرهنگ اکثریت (زبان پارسی) مردم افغانستان می‌باشند. طالبان پیش‌نویس قانون اساسی خود را ارایه کرده‌اند. این پیش‌نویس به زبان پشتو است. زبان پشتو را زبان ملی و زبان امارت اعلام کرده‌اند. درحالی‌که زبان پارسی زبان ملی است.

[Translate Tweet](#)

2:34 PM · Sep 18, 2021 · Twitter for Android

102 Retweets 5 Quote Tweets 1,179 Likes

شکل ۱۲. نمونه توییت

۳. جریان ضد پاکستان:

حدود ۲۰ درصد از کل محتواهای تولید شده توسط کاربران افغان در مورد افغانستان، رویکردی ضد پاکستانی دارد. فارغ از ریشه‌های تاریخی و

تضادهای قومی و ملی میان مردم پاکستان و افغانستان، به نظر بسیاری از کاربران افغان و البته ایرانی، پاکستان اصلی‌ترین عامل سقوط دولت افغانستان و استقرار دولت طالبان است. تولید محتوا بر علیه پاکستان محدود به ایام سقوط دولت و روی کار آمدن طالبان نبوده و تا به امروز به شکلی گسترده ادامه پیدا کرده است. شمار قابل توجهی از کاربران ایرانی و هندی (خصوصاً در کامنت‌ها)، همراه با کاربران افغانی به اقدامات پاکستان واکنش نشان داده‌اند.



Mukhtar wafayee مختر و فابی
 @Mukhtarwafayee

...

افغانستان مستعمره پاکستان است و شکی در این نیست.
 اگر می‌خواهید سطح عقب‌گرد و فاجعه فروپاشی را
 اندازه‌گیری کنید، کافی است تنها به خبر تفری یک
 انتحارکننده به حیث رئیس دانشگاه کابل نظر ببینید.
 هر نوع امیدواری به آینده سیاه افغانستان عبث و باطل
 است.

[Translate Tweet](#)

1:39 AM · Sep 22, 2021 · Twitter for Android

31 Retweets 314 Likes

شکل ۱۳. نمونه توییت

۴. جریان حمایت از طالبان:

شمار بسیار زیادی از کاربران نیز به حمایت از طالبان پرداخته‌اند. البته این طیف از کاربران عمدتاً کاربران اردو و انگلیسی هستند و با توجه به نوپایی استقرار طالبان، خلأ ناشی از گذار دولتی و قطع حمایت خارجی، سعی در جلب نظر دیگران به سوی طالبان دارند. تصاویر کشف و تخریب مزارع مواد مخدر، دستگیری و مجازات اشرا و کلیپ‌های تبلیغاتی عموماً از سوی این کاربران مخابره شده و گاهی محتوای تولید شده در مخالفت با هندوستان، تاجیکستان، غرب و بعضاً ایران شکل تهدیدآمیز به خود می‌گیرد.

محتوای تولیدشده پس از استقرار طالبان توسط کاربران ایرانی^۵

۱. مدافعان حمایت از مقاومت ملی افغانستان:

بسیاری از کاربران ایرانی همانند کاربران افغانی به تولید محتوا در حمایت از مقاومت ملی، ضدیت با پاکستان و بازنمایی انتقادی وضعیت افغانستان پرداختند. شکل‌گیری مقاومت ملی افغانستان در ولسوالی پنجشیر سبب تولید محتوای هیجانی فراوانی در بین کاربران ایرانی گشت و بسیاری از کاربران ایرانی، نظام را به سبب عدم حمایت از مقاومت ملی افغانستان مورد انتقاد قرار دادند. این جریان با دست‌گذاری بر مسائلی مانند اشتراکات زبانی و فرهنگی و حتی تاریخی از یک‌سو و طرح مباحث اخلاقی و انسانی، نظام جمهوری اسلامی را به کوتاهی و قصور در این مورد متهم نموده‌اند. درخواست همراهی و همدلی در حالی صورت می‌گیرد که حداقل در کوتاه‌مدت، جریان مقاومت ملی افغانستان شانس چندانی در برابر طالبان ندارد.



شکل ۱۴. نمونه توییت

^۵ (۱۴۰۰/۷/۱۰) الی (۱۴۰۰/۶/۱)

۲. مخالفان حمایت از مقاومت ملی افغانستان:

در برابر درخواست و انتقاد کاربران در مورد حمایت از پنجشیر توسط منتقدان داخلی، کاربران حامی نظام به انتقاد از منتقدان داخلی پرداخته و رویکرد این کاربران را متناقض، هزینه‌زا و حتی ضد نظام عنوان نمودند. از نظر این کاربران حمایت از مقاومت ملی افغانستان در درجه نخست، دخالت در امور دیگر کشورهاست. در درجه دوم، با توجه به فقدان توازن قوا به نفع طالبان، مداخله ایران به دشمنی طالبان و خلق هزینه برای کشور تبدیل خواهد شد و در نهایت از نظر این کاربران، با وجود اعتراض مکرر منتقدان داخلی (اصلاح‌طلبان) و معاندان به حضور نظامی یا مستشاری ایران در عراق، سوریه و یمن، اصرار منتقدان داخلی به مداخله در افغانستان کاملاً مشکوک است.



امیرحسین تآبتی
 @sabeti_twt

...

تا دیروز میگفتند «نه غزه نه لبنان» تا سیاست کمک به کشورهای دیگر را نفی کنند.
 امروز میگویند چرا ایران در افغانستان دخالت نمیکند؟
 پس قبول کردید که حرفتان درباره بی خیالی نسبت به بقیه کشورها غلط بود؟
 قبول کردید که باید به دیگران کمک کرد؟
 نگران نباشید! جمهوری اسلامی کارش را بلد است.

[Translate Tweet](#)

11:41 AM · Sep 8, 2021 · Twitter Web App

624 Retweets 32 Quote Tweets 4,241 Likes

شکل ۱۵. نمونه توثیت

جمع‌بندی

۱. تقریباً تمامی محتوای تولیدشده با مرجعیت طالبان در دو بستر توئیتر و اینستاگرام که توسط کاربران ایرانی و افغان (به زبان فارسی) تولیدشده منفی تلقی می‌شود. محتوای مثبت تولیدشده در مورد طالبان (توسط کاربران افغان) عمدتاً به دو زبان اُردو و انگلیسی است و البته تشکیک این کاربران از کاربران پاکستانی امری دشوار به نظر می‌رسد.
۲. بیشترین محتوای مثبت تولیدشده در دو بستر مورد مطالعه به احمد مسعود و جریان مقاومت ملی تعلق دارد و با توجه به عدم شناخت کافی در مورد جریان مقاومت (اهداف و عملکردها)، حجم بالای حمایت از وی را می‌توان احساسی، هیجانی و ناشی از مخالفت با طالبان قلمداد کرد.
۳. در بستر توئیتر بیشترین محتوای منفی در مورد پاکستان تولید شده و علاوه بر کاربران افغانی کاربران ایرانی نسبت به پاکستان حساسیت بسیار بالایی به خرج داده‌اند. این در حالی است که عموم مردم ایران تجربه تاریخی و شناخت دقیقی از کشور پاکستان نداشته و ندارند.
۴. در دو بستر توئیتر و اینستاگرام با توجه به محتواهای مثبت و منفی تولید شده در مورد طالبان و مسعود، تنها بین ۱ الی ۳ درصد محتوای مثبت در مورد طالبان تولید شده است.
۵. همذات‌پنداری شدید ایرانیان با مردم افغانستان و نفرت پراکنی بر علیه طالبان می‌توان محل تأمل و تحقیق باشد.
۶. اختلاف کاربران حامی نظام (اصولگرا) و منتقد داخلی (اصلاح‌طلب) در حال حاضر بر سر حمایت یا عدم حمایت از طالبان نیست، (رویکرد

نظام در حال حاضر کاملاً محتاطانه است) بلکه بر سر حمایت یا عدم حمایت از جریان مقاومت ملی افغانستان است.

۷. در مجموع رویکرد کاربران ایرانی و افغان نسبت به قدرت‌گیری مجدد طالبان کاملاً منفی است و با توجه به حجم و کیفیت محتوای تولید شده بعید است به زودی شاهد تغییری در نوع نگرش مردم نسبت به طالبان باشیم.

راهکارهای سیاستی

۱. مقاومت ملی افغانستان به چالشی ملی برای ایرانیان تبدیل شده است به رغم فشارهای وارده از سوی افکار عمومی، جمهوری اسلامی مانند اغلب نظام‌های سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی، تقریباً از دخالت و اظهارنظر جدی در امور افغانستان پرهیز نموده است. رویکرد کلی نظام را با توجه به حساسیت‌ها، سرعت بالای وقوع رویدادها و وعده‌های طالبان می‌توان رویکرد حفظ فاصله عنوان نمود که در مجموع هوشمندانه و واقع‌گرایانه به نظر می‌رسد. در هر صورت، با توجه به تجهیز طالبان به حجم بالایی از سلاح‌های روز و شمار بسیار بالای نیروهای جهادی، تصاحب ولسوالی پنجشیر امری قابل پیش‌بینی بود و به رغم فشارهای عمدتاً هیجانی، حمایت ایران از مقاومت ملی افغانستان، نوعی قمار سیاسی از پیش باخته بود و با توجه به مرزهای گسترده ایران و افغانستان و پیروزی محتوم طالبان سکوت دستگاه دیپلماسی را واقع‌گرایانه می‌توان قلمداد کرد.

۲. به دلایلی متعدد، استراتژی فاصله‌گیری نمی‌تواند و نباید چندان طولانی باشد. ارتباط بسیار قوی طالبان با کشورهای اخوانی (قطر، ترکیه) و به طور خاص پاکستان که از سوی کاربران دو بستر توئیت و اینستاگرام نیز مورد اشاره قرار گرفت را به هیچ وجه نباید نادیده

گرفت. سیطره آی.اس.آی بر طالبان چیزی شبیه به رابطه ایران و نیروهای حشدشعبی است. از این جهت طالبان می‌تواند به سادگی به‌مثابه ابزاری از سوی پاکستان بر علیه هند، تاجیکستان و البته ایران مورد استفاده قرار گیرد. از حیث امنیتی و سیاسی برگزاری مانور سه برادر در مرزهای شمالی ایران به میزبانی آذربایجان و همراهی پاکستان و ترکیه را نمی‌توان بی‌ارتباط با قدرت‌گیری دوباره طالبان در افغانستان قلمداد کرد. از این جهت، نظام باید هر چه سریع‌تر رویکرد تاکنون انفعالی خود را کنار گذاشته و اقدام به طراحی راهبردهای علمی در مورد افغانستان نماید.

۳. پس از سقوط دولت افغانستان و به رغم وعده‌های سیاسی مکرر مقامات طالبان، گزارش‌های متعددی از اقدامات غیرانسانی دولت طالبان به بیرون درز شده است. کشتار مقامات و نظامیان سابق افغانستان، برخورد غیرانسانی با مرتکبین جرائم خُرد نظیر سارقان و معتادان و در نهایت کشتار و آواره سازی شیعیان افغانستان (در مناطق دایکندی، تگابدار، بلخاب، سرپل و دره صوف) برخی از اقدامات گروه‌های مختلف طالبان بوده است. تاکید بیش از حد بر وجود طالبان به عنوان واقعیت سیاسی، نباید منجر به غفلت از سایر واقعیت‌های تاریخی، سیاسی و دینی افغانستان و ارزش‌های انقلاب اسلامی در حمایت از مظلومان جهان گردد. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به نگرش منفی کاربران ایران و افغان به طالبان و فارغ از مباحث انسانی، سکوت نظام در برابر جنایات طالبان و داعش، بر سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی تأثیرگذار خواهد بود. از این جهت ضروری است که نظام جمهوری اسلامی، ضمن اولویت‌بخشی به رفاه و امنیت کشور، تلاش خود را در جهت اعمال نفوذ بر طالبان و حمایت از شیعیان و مظلومان افغان، دوچندان نماید.